

بسم الله الرحمن الرحيم

تاریخ : 1386/12/04

مناقشه فخر رازي در دلالت آيه ولايت :

فخر رازي اين تعبير را دارد:

لما نهى الآيات المتقدمة عن موالاة الكفار أمر في هذه الآية بالموالاة من يجب موالاته.

زمانی که خداوند در آیات قبل دوستی با کفار را نهی نمود در این آیه دوستی با کسانی که دوستیشان واجب است را ذکر نمود.

التفسير الكبير أو مفاتيح الغيب، ج 12، ص 22، اسم المؤلف: فخر الدين محمد بن عمر التميمي الرازي الشافعي، الوفاة: 604 ، دار النشر: دار الكتب العلمية - بيروت - 1421هـ - 2000م ، الطبعة: الأولى.

مناقشه ابن تيميه در دلالت آيه ولايت :

ابن تيميه تعبيرش اين است كه:

إنه من المعلوم و المستفيض عند اهل التفسير خلفا عن سلف أن هذه الآية، نزلت في النهي عن موالاة الكفار و الأمر بموالاة المؤمنين.

معلوم و مستفيض نزد اهل تفسير است كه اين آيه (51 و 55 سوره مائده)، نازل شده بر نهی از موالات کفار و امر به موالات مؤمنین است.

منهاج السنة النبوية، ج 7، ص 18، اسم المؤلف: أحمد بن عبد الحليم بن تيمية الحراني أبو العباس الوفاة: 728، دار النشر: مؤسسة قرطبة - 1406، الطبعة: الأولى، تحقيق: د. محمد رشاد سالم.

مناقشه ناصر الدين غفاري در دلالت آیه ولایت :

ناصر الدين غفاري در كتاب اصول مذهب شيعه مي گويد:

لما تبين أن الروايات التي أولوا بمقتضاها الآية باطلة سندا و متنا، فلا متمسك لهم حينئذ بالآية بوجه سائغ، بل إن الآية حجة عليهم، لأنها جاءت بالأمر بموالاتة المؤمنين و النهي عن موالاتة الكافرين حتي و إن ثبت أن لها سبب نزول خاص راجع كتب التفسير في سبب النزول فالعبرة بعموم اللفظ لا بخصوص السبب و ليس للرافضة من ذلك نصيب. و هذا المعني يدرك بوضوح من سياق الآيات، إذ قبل هذه الآية الكريمة جاء قوله سبحانه: «يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا الْيَهُودَ وَ النَّصَارَىٰ أَوْلِيَاءَ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ وَ مَنْ يَتَوَلَّهُمْ مِنْكُمْ فَإِنَّهُ مِنْهُمْ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ». (مائده/51) فهذا نهي صريح عن موالاتة اليهود و النصاري بالود و المحبة و النصره... و لا يراد بذلك - باتفاق الجميع- الولاية بمعني الإمارة.

این آیه به ضرر شیعه است، زیرا این آیه برای امر به موالات مؤمنین و نهی از موالات کافرین نازل گردیده است. اگر چه سبب نزول خاصی هم داشته باشد، (یعنی اگر در حق علی علیه السلام هم نازل شده باشد، امر به موالات و محبت علی علیه السلام است)، فرضاً اگر این آیه در حق علی (علیه السلام) هم نازل شده باشد، خصوص سبب، مستند ما نیست، بلکه عموم لفظ به درد ما می خورد و معنای عام لفظ اعتبار دارد که همان محبت است، (و لو این که سبب نزولش اعطاء خاتم از جانب امیر المؤمنین علیه السلام باشد). و شیعه هیچ بهره ای از این آیه نمی برد. این معنایی که ما کردیم، از سیاق آیه مشخص است؛ زیرا قبل از آیه 55 سوره مائده، این آیه آمده است: «يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا

تَتَّخِذُوا الْيَهُودَ وَ النَّصَارَىٰ أَوْلِيَاءَ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ وَ مَنْ يَتَوَلَّهُمْ مِنْكُمْ فَإِنَّهُ مِنْهُمْ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ». (مائده/51) به يهود و نصاري علاقه و محبت نداشته باشيد و از آنها طلب ياري نكنيد. مراد از اين آيه، ولايت و رياست و امارت نيست.

پاسخ به مناقشات مخالفان دلالت آيه ولايت :

خلاصه يكي از اساسي ترين شبهات آنها، دلالت لفظ ولي بر ولايت امر است و معتقدند كه در اينجا ولي به قرينه سياق و آيات قبل به معنای محبت و نصرت است و نه به معنای امير و سرپرست.

ما در اينجا چند جواب داريم. يكي از اينها اين است كه بايد بينيم كلمه «ولي» لغتاً به چه معنا آمده است؟ و در روايات ديگر به چه معنا استعمال شده است؟ و در اين سوره، آيا مي توانيم به قرينه كلمه «اولياء» در 4 آيه قبل، به معنای مودت و محبت يا نصرت بگيريم يا خير؟

معنای لغوي «ولي» به معنای قريب و نزديك، مرادف با «اولي بالتصرف» است :

در رابطه با معنای كلمه «ولي»، تمام لغت نويسان، كلمه «ولي» را به معنای قرب و نزديكي گرفته اند. در قاموس المحيط فيروز آبادي، جلد 4، صفحه 401 اين تعبير آمده:

الولي به سکون اللام و الذي يعني القرب و الدنو.

وَلِي به سکون لام به معنای قرب و نزديكي است.

در مفردات غریب الحدیث راغب اصفهانی، صفحه 533 آمده که:

الولاء و التوالی، أن يحصل الشیئان فصاعدا حصولا لیس بینهما ما لیس منهنما و يستعار ذلك القرب من حیث المكان و من حیث النسبة و من حیث الدین و من حیث الصداقة و النصره و الاعتقاد.

دو چیز، با هم، طوری نزدیک باشند که هیچ جدایی و فاصله ای بین آنها نباشد، و معمولا در قرب مکانی این را به عنوان استعاره می آورند و دو نفر از هر جهت با هم یکی باشند، به آن دو می گویند: فلانی با فلانی ولی است.

این معنایی که اهل لغت به معنای قرب آورده اند، کاملا به این معنا می شود که: فلانی، ولی فلانی است، یعنی آنچنان با او نزدیک و یکی است که تصور دوتایی در آن دو نیست:

من که ام، لیلی، لیلی کیست، من ما دو، یک روحیم، در دو بدن

«ولی» میت یعنی کسی که با وجود او دیگران حق تصرف در او ندارند :

و در مواردی هم که می گوئیم: فلانی ولی میت است، فلانی ولی بچه است، یعنی این دو آنچنان با هم نزدیک اند که در مسائل تجهیز و غیره، این دنو و قرب اجازه نمی دهد که کس دیگری بیاید این میت را بردارد، و این دنو اجازه نمی دهد که با وجود ولی، افراد دیگر قیمومیت بچه را بر عهده بگیرند. یعنی در حقیقت در معنای ولایت و ولی و ولی، یک نوع سلطنت و تصرف خوابیده است.

«ولي» زوجه يعني کسی که بدون اجازه او نکاح زوجه باطل است :

مثلا این حدیث که رسول اکرم (صلي الله عليه و آله و سلم) فرمود:

أیما إمراة نکحت بغير إذن وليها، فنکاحها باطل.

اگر زنی بدون اذن ولی او و کسی که حق تصرف و قیمومیت دارد، عقد کند، عقد او باطل است.

مستدرک حاکم، ج 2، ص 168 - سنن بیهقی، ج 7، ص 111 - الام شافعی، ج 5، ص 13 - المدونه الکبری مالک، ج

2، ص 162 - مسند احمد، ج 6، ص 66 - سنن ابن ماجه، ج 1، ص 605 - صحیح ترمذی، ج 2، ص 281 - المبسوط

سرخسی، ج 5، ص 11 - مغنی ابن قدامه، ج 7، ص 338 - المجموع نووی، ج 16، ص 146.

کلمه ولی در این جا به چه معنایی آمده است؟ آیا معنای آن این است که: هر زنی بدون نصرت و یاری و محبت ولی

و دوست خود ازدواج کند، باطل است؟!

در لسان العرب که تنها کتاب لغت استعمال الفاظ است، می گوید:

و ولی المرأة الذي يلي عقد النکاح علیها و لا یدعها تستبد بعقد النکاح دونه.

ولی زن، کسی است که متولی عقد نکاح بر زن است و اجازه نمی دهد و رها نمی کند که زن، بدون اجازه و مستبدانه،

عقد برای خود بخواند.

لسان العرب ابن منظور، ج 15، ص 407.

پس در آیه ولایت هم که می‌گوید:

ولي شما خدا است و پیامبر صلي الله عليه و آله و سلم و امير المؤمنين علي عليه السلام است، يعني بدون اذن آنها، هرگونه تصرف در مسائل سياسي و اخلاقي و اجتماعي و... باطل است و بايد در چهارچوب نظرات آنها باشد. اگر عمل بخواهد شرعيت پيدا کند، بايد به اذن و امر خدا و رسول و ولي باشد و اگر کسي عملي را انجام داد و به اذن آنها نبود، باطل و غير شرعي است.

با توجه به اين مسئله، ما ادعاء مي‌کنيم که کلمه «ولي» در دو آیه، به يك معناست.

لا تتخذوا اليهود و النصارى اولياء:

آنها را به عنوان حق تصرف و ولي براي خود نگیريد.

يعني کارهاي سياسي و ديني را بر محور رهبري و رهنمود يهوديان و مسيحيان انجام ندهيد. و در آخر هم که مي‌گويد: **إن الله لا يهدي القوم الظالمين:** مشخص است که اگر در زير پرچم يهود و نصاري حرکت کرديد، ظالم هستيد؛ وگرنه مجرد محبت به يهود و نصاري، موجب نمي‌شود که انسان ظالم بشود و اين قرينه است بر اين که، «ولي» به همين معنای اولي الامر است.

پس ما اعلام مي‌کنيم که جناب آقاي فخر رازي، ابن تيميه و غفاري، شما که مي‌خواهيد اين آیه را قرينه بياوريد و «ولي» در آیه ولایت را از معني بياندازيد، ما مي‌گوئيم، در هر دو جا، ولي به يك معناست، و به معنای محبت نيست، بلکه به معنای اولي بالتصرف و رياست و حق تصرف و سلطه بر مؤمنين است؛ و اين را ما با توجه به سخن بزرگان شما و اهل لغت مي‌گوئيم.

فرضا اگر شما این معنا را قبول نکنید ، و بگویید در یهود و نصاری به معنای نصرت و یاری و محبت است، و از سیاق آیه بخواهید استفاده کنید، ما در اینجا جلوی سیاق را هم می گیریم و هیچ سیاقی بین این دو آیه نیست؛ زیرا شرط سیاق در دو آیه این است که در یک زمان نازل شده باشند و سبب نزولشان یکی باشد. آیا شما می توانید ثابت کنید که آیه 51 سوره مائده با آیه 55 سوره مائده که 3 آیه بینشان فاصله است، در یک زمان آمده است و سبب نزولشان یکی است؟ دلیلی دارید؟ خیر ندارید و فقط صرف ادعا است. ولی ما دلیل داریم بر این که این آیات به همین شکل که هست، نبی مکرم صلی الله علیه و آله و سلم دستور داده است به این شکل باشد. آیات مکی را در خیلی موارد در سوره های مدنی و آیات مدنی را در سوره های مکی قرار داده است. در اینجا هم خود حضرات ادعاء می کنند که سبب نزول در اینجا کاملاً تفاوت دارد. سبب نزول آیه ولایت که قبلاً مشخص شد و از بزرگان اهل سنت، برخی ادعای اجماع کرده اند که این آیه در حق امیر المؤمنین علیه السلام نازل شده است. در سبب نزول آیه 51 هم، آقای قرطبی در کتاب جامع أحكام القرآن، جلد 16، صفحه 216 می گوید:

اختلفوا في سبب نزولها علي أقوال، منها: إنها نزلت في أبي لبابة عن عكرمة. و منها: أنها نزلت في يوم أحد حين شعر المسلمون بالخوف حتي همّ قوم منهم أن يوالوا اليهود و النصاري. و منها: أنها نزلت في عبادة بن الصامت و عبدالله بن أبي سلول فتبرأ عبادة من موالة اليهود و تمسك بها ابن أبي و قال: إني أخاف أن تدور بي الدوائر.

گفته شده: در رابطه با ابو لبابه نازل شده است؛ و گفته شده: در جنگ احد نازل شده، وقتی که شنیدند که رسول اکرم (صلي الله عليه و آله و سلم) کشته شده و فرار کردند، عده ای تصمیم گرفتند برای راحت شدن از شر قریش، بروند با یهود و نصاری عهد و پیمان ببندند و زیر سلطه آنها بروند و آنها از اینان حمایت کنند در برابر قریش؛ و گفته شده که این آیه در رابطه با عباده بن صامت و عبدالله بن أبي سلول نازل شده که رفته بودند با یهود عهد و پیمان بسته بودند

و عباده گفت که من می ترسم که روزگار برگردد و مسلمان ها شکست بخورند و اگر الان من با یهود رابطه ام را بر هم بزنم، فردا کسی از من حمایت نمی کند.

الجامع لأحكام القرآن، ج 16، ص 300، اسم المؤلف: أبو عبد الله محمد بن أحمد الأنصاري القرطبي، الوفاة: 671، دار النشر: دار الشعب - القاهرة

با توجه به این، روشن است که این آیه، سبب نزولش یا أحد است یا ابو لبابه و یا عباده و ابن ابي. شما که می گوئید وحدت سیاق دارد، کدام وحدت سیاق؟ آیه 51 مائده در يك قضیه نازل شده، و آیه 55 مائده سبب نزولش چیز دیگری است. و این دو ثابت می کند که هیچ ارتباطی میان این دو آیه نیست و وقتی ارتباط نباشد، امکان سیاق گیری هم نیست.